

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۹ اسفند ۱۴۰۱
مصادف با: ۷ شعبان ۱۴۴۴
جلسه: ۳۱

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۴۹- بخش دوم: «يَذْبَحُونَ ابْنَائِكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَائِكُمْ» -
مطلب اول، دوم، سوم و چهارم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

بخش دوم آیه

عرض کردیم آیه ۴۹ سه بخش دارد؛ بخش اول «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ» بود. درباره این بخش و چند نکته را به عرض رساندیم.

بخش دوم آیه این است: «يُذْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ». درباره این قسمت از آیه چند مطلب می‌بایست بررسی شود.

مطلب اول

نظیر همین فقره از آیه در سوره ابراهیم هم ذکر شده، لکن آنجا با «و» آمده و اینجا بدون «و». در این آیه می‌فرماید «يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ». لکن در سوره ابراهیم «يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكُمْ» با حرف عاطفه «و» ذکر شده، جهت اینکه در سوره ابراهیم با «و» آمده و اینجا بدون «و» چیست و آیا تفاوتی بین اینها وجود دارد یا خیر؟ در سوره ابراهیم قبلش فرموده «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ»، می‌فرماید ما موسی را با آیاتمان فرو فرستادیم که قومت را از ظلمات به سوی نور خارج کن و آنها را به ایام‌الله یادآور شو. چرا آن ایام، ایام الله بوده؛ این نیست جز اینکه نعمت‌های خدا شمرده شود و لذا به دنبالش می‌فرماید «يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ»؛ اینجا اشاره به سوء العذاب دارد و می‌گوید خداوند نعمت‌هایی را بر شما ارزانی داشت در حالی که شما در فشار شدید عذاب بودید و شما در معرض سوء العذاب قرار داشتید؛ «و يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكُمْ» آنها پسران شما را به قتل می‌رساندند. یعنی کآن خداوند اینجا به دو نعمت اشاره می‌کند؛ یکی نعمت رهایی از سوء العذاب و یکی هم رهایی از قتل پسران. این مبتنی بر این است که «و» عاطفه باشد اما احتمال دارد که این «و» عطف تفسیری باشد و نه عطف حقیقی.

براساس احتمال اول، «و» حرف عطف حقیقی است و به دو عذاب اشاره می‌کند؛ سوء العذاب یک عذاب است و «يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكُمْ» یک عذاب دیگر است. اما احتمال که «و» عطف بیان و تفسیر باشد؛ یعنی خداوند تبارک و تعالی سوء العذاب را با جمله بعدی تفسیر می‌کند که سوء العذاب چه بوده، همان ذبح ابناء، قتل پسران.

در این آیه هم که بدون «و» آمده، هر دو احتمال وجود دارد، چنانچه در جلسه گذشته اشاره کردیم؛ یعنی ممکن است

«یسومونکم سوء العذاب» در واقع بیان شده به وسیله «یذبون ابناءکم و یستحیون نساءکم»؛ یعنی دارد تفسیر سوء العذاب می‌کند چنانچه محتمل است که سوء العذاب اشاره به یک نوعی از عذاب باشد و «یذبون ابناءکم» اشاره به نوع دیگری که ذبح الابناء و قتل پسران است.

پس هر دو احتمال هم در این فقره از آیه و هم در سوره ابراهیم وجود دارد؛ اگرچه وقتی با «و» عطف می‌شود، ممکن است این احتمال رجحان داشته باشد که «یذبون ابناءکم» یک نوعی از عذاب باشد و سوء العذاب یک نوع دیگر باشد. اما با توجه به مطالبی که در جلسه گذشته عرض کردیم، به نظر می‌رسد که سوء العذاب اشاره به بدترین عذاب‌ها و شدیدترین عذاب‌ها که مسأله استخفاف و بردگی و استعباد است دارد؛ یعنی به صورت کلی می‌فرماید شما در معرض شدیدترین عذاب‌ها بودید یا عذاب‌های شدید. آن وقت این مصادیق و جلوه‌های مختلفی داشته است؛ بارزترین مصداق سوء العذاب، «یذبون ابناءکم و یستحیون نساءکم» بوده است. این یک مطلب که اشاره به تفاوت بین این جمله با جمله‌ای که در سوره ابراهیم آمده است.

مطلب دوم

می‌فرماید «یذبون ابناءکم»؛ ظاهر جمله این است که پسران شما را به قتل می‌رساندند و ذبح می‌کردند. اما برخی از مفسرین اینجا گفته‌اند «یذبون ابناءکم» ای یذبون رجالکم دون الاطفال؛ شاهدش هم این است که در جمله بعدی کلمه نساء آمده است. به قرینه مقابله، منظور از ابناء باید رجال باشد. رجال هم یعنی همه کسانی که بالغ شده‌اند؛ آنگاه معنا این می‌شود که اینها گفته بودند که همه مردان را بکشید، برای اینکه مبدا اینها با هم مجتمع شوند علیه دستگاه فرعون. این البته احتمالی است که برخلاف نظر اکثر مفسرین است و اکثراً قائل هستند به اینکه ابناء یعنی پسران غیربالغ و بلکه آنهایی که تازه متولد می‌شدند یا هنوز در سنین طفولیت بودند. وجه آن هم روشن است؛ برای اینکه اگر اینها می‌خواستند همه مردان را بکشند، همه امورشان معطل می‌ماند و برای اداره دستگاه خودشان و برای اداره مملکت مشکل پیدا می‌کردند. دیگر اینکه اگر منظور رجال باشد، پس چرا دستور به کشتن اطفال داده شد و از جمله موسی (ع) را در گهواره و صندوقی قرار دادند و او را در رود نیل گذاشتند تا نجات پیدا کند. پس اینکه حضرت موسی را در صندوقچه‌ای گذاشتند و در رود نیل قرار دادند، برای فرار از آن خطر بود؛ از این معلوم می‌شود که مسأله، مسأله کشتن رجال نبوده است؛ مگر اینکه بگوییم رجال یعنی جنس مذکر. در حالی که کسی که این احتمال را ذکر کرده، اساساً می‌خواهد بگوید رجال در مقابل نساء یعنی بالغان و شامل اطفال نمی‌شود. لذا این احتمال قابل قبول نیست و «یذبون ابناءکم» به معنای همان اطفال است و نه رجال.

اینجا دو سؤال و پرسش در این رابطه باید پاسخ داده شود؛ یکی اینکه چرا امر به ذبح ذکور شد؛ دیگر اینکه سبب و علت اصلی که باعث شد پسران را این چنین مورد تهدید قرار دهند چه بوده است.

مطلب سوم

اما اینکه ذکور از اطفال مشمول این فرمان قرار گرفت، برای این بود که آنها می‌خواستند به قوم بنی اسرائیل آسیب بزنند

و اهدافی که آنها داشتند، با کشتن پسران و مردان حاصل می‌شد و نه دختران و زنان. یکی اینکه مردان اگر از بین بروند، نسل از بین می‌رود؛ و اگر زنان بعد از مردان باقی بمانند، تا زمانی که زنده هستند نمی‌توانند تأثیرگذار باشند. به علاوه اگر مردان هم نباشند، در دراز مدت اثری از زنان باقی نمی‌ماند. مسأله دیگر اینکه واقعاً زنان با از بین رفتن مردان هم در امر معاش خودشان مشکل پیدا می‌کنند و هم آسیب‌های روحی فراوانی به آنها وارد می‌شود. یعنی با یک تیر چند نشان می‌زدند. مشکل دیگر این بود که اگر زنی باردار بود و چند ماه حمل داشت، بعد از تولد فرزند او را می‌کشتند، این زن نابود می‌شد؛ این یکی از آن اهدافی بود که مدنظر اینها بود که زنان را نابود کنند از نظر روحی و روانی؛ وقتی فرزندی که ۹ ماه حمل کرده، از او جدا شود و کشته شود، عذاب بسیار شدیدی بر زنان تحمیل می‌کرد. لذا مسأله ذبح الابناء که تکمیل آن با «یستحیون نساءکم» است که آن را هم توضیح خواهیم داد، بارزترین و آشکارترین مصادیق سوء العذاب است. دیگر نمی‌شد قومی را بیش از این عذاب کنند. خداوند متعال دارد این را در دو جمله کوتاه بیان می‌کند تا به عظمت نعمت خودش نسبت به بنی اسرائیل اشاره کند و یاد بیاورد آنها را که در چه شرایطی بودند، چه عذاب‌هایی متوجه آنها بود و خداوند آنها را از این فضا نجات داد.

مطلب چهارم

مطلب دیگر اینکه چرا امر به کشتن اطفال پسر داده شد؟ اینجا وجوهی برای این امر ذکر شده است.

۱. یکی از وجوهی که در برخی از تفاسیر ذکر شده و طبری در مجمع البیان به آن اشاره کرده، اینکه فرعون خواب دید که آتشی از ناحیه بیت المقدس به سمت منطقه قبط وارد شده و همه خانه‌ها را سوزانده و اهالی آنجا را نابود کرده و تنها بنی اسرائیل زنده مانده‌اند. از این خواب خیلی پریشان شد؛ معبران و ساحران را دعوت کرد و آنها گفتند فرزندی از این قوم به دنیا خواهد آمد و طومار تو و دستگاه حکومت تو را درهم خواهد پیچید بود؛ این بود که فرعون دستور داد که همه فرزندان پسر را بعد از بدنی آمدن از بین ببرند. این یک احتمال که در مجمع البیان هم ذکر شده است.

۲. احتمالی که فخر رازی آن را پذیرفته برگرفته از روایتی است از ابن عباس که فرعون اطلاع داشت از وعده ابراهیم که خداوند در ذریه او، انبیاء و ملوکی را قرار داده برای اینکه به آن وعده محقق نشود، دستور داد که تمام خانه‌ها را بگردند و هر کجا مولودی یافتند او را بکشند و از بین ببرند.^۱

۳. احتمال دیگری که برخی گفته‌اند این است که منجمان و ساحران به فرعون چنین خبری را براساس اوضاع فلکی دادند و حتی سال آن را هم تعیین کردند؛ برای همین بود که در آن سال فرعون دستور داد به قتل ابناء.

اینها احتمالاتی است که برای این منظور گفته شده است ولی راهی هم برای ترجیح برخی بر برخی دیگر وجود ندارد. اگرچه روایت ابن عباس شاید رجحان داشته باشد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۶۹.